تأثیر ادوار سیاسی بر طرح‌های عمرانی: مطالعه موردی استان‌های ایران

حسین امیری[1]، فرزانه صمدیان[2]

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۳/۲۱ تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۹/۲۹

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22286454.1396.8.30.7.8]

[DOI: 10.29252/jemr.8.30.7]

چکیده

طرح‌های عمرانی از ملزومات اساسی رشد و توسعه پایدار به شمار می‌آیند. روال ناکارآمد تصویب و اجرای طرح‌های عمرانی، بدون تناسب با ظرفیت‌های مالی و اجرایی، حجم عظیمی از پروژه‌های ناتمام و بعضاً متوقف را بر اقتصاد ملی تحمیل کرده است. هدف اصلی مقاله حاضر پاسخ به این سوال است که آیا ادوار سیاسی بر روند تصویب و اجرای طرح‌های عمرانی استانی تأثیرگذار است یا نه؟ برای پاسخ به سوال مورد نظر، مقاله پیش‌رو، دو فرضیه را مد نظر قرار داده است. فرضیه اول، ادوار سیاسی بر سرنوشت طرح‌های عمرانی تأثیرگذار است و فرضیه دوم، میزان اثرگذاری ادوار سیاسی بر روند تصویب و اجرای طرح‌های عمرانی در سال قبل از وقوع سیکل سیاسی (انتخابات) بزرگ‌تر است. ازاین‌رو، جهت برآورد مدل و آزمون فرضیه تحقیق از روش داده‌های تابلویی پویا و تخمین‌زننده گشتاور تعمیم یافته طی سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۹۳ استفاده شده است.

نتایج حاصل از آزمون دو فرضیه حاکی از آن است که، سیکل سیاسی مجلس و ریاست جمهوری ارتباط مثبت و معناداری با اعتبارات عمرانی دارد و سیکل سیاسی ریاست جمهوری تأثیر بیشتری بر اعتبارات عمرانی دارد به این معنا که اثرگذاری ادوار سیاسی ریاست جمهوری بر روند تصویب و اجرای طرح‌های عمرانی در سال قبل از وقوع سیکل سیاسی بزرگ‌تر است. در این راستا، برای از بین بردن اثر سیکل سیاسی دولت و نمایندگان مجلس بر طرح‌های

۱. استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه خوارزمی، (نویسنده مسئول)، Email: Hossienamiri@gmail.com

۲. کارشناس ارشد دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، Email: F.Samadian90@gmail.com

عمرانی، تعیین مرجعی که از صلاحیت کارشناسی لازم و همچنین استقلال و قدرت نظارتی کافی بر مطالعات توجیهی طرح‌ها برخوردار است، پیشنهاد می‌شود. زیرا، مرجع یادشده به صورت بی‌طرف طرح‌ها را تنها براساس مطالعات توجیهی – فنی و نیاز منطقه به تصویب می‌رساند و از تصویب طرح‌های عمرانی براساس ملاحظات سیاسی دولت و نمایندگان مجلس جلوگیری می‌کند.

واژه‌های کلیدی: ادوار سیاسی، طرح‌های عمرانی، استان‌های ایران، داده‌های تابلویی پویا تخمین‌زننده گشتاور تعمیم یافته.

طبقه‌بندی JEL: H11, H55 .

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22286454.1396.8.30.7.8]

[DOI: 10.29252/jemr.8.30.7]

۱. مقدمه

طرح‌های عمرانی به‌عنوان اصلی‌ترین کانال تزریق منابع بودجه‌ای در اقتصاد کشور برای گسترش ظرفیت‌های زیربنایی و تولیدی به شمار می‌آیند. از آنجا که، طرح‌های عمرانی اغلب شامل پروژه‌هایی با مقیاس بزرگ هستند، ازاین‌رو، بخش خصوصی به علت وجود هزینه‌های بالای راه‌اندازی، نه مایل و نه قادر به انجام سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی است. بنابراین دولت‌ها مسئول تأمین و عرضه خدمات زیربنایی بوده و همواره بخش مهمی از بودجه خود را صرف تأمین شبکه راه‌ها، ارتباطات، انرژی، تحقیقات بنیادی، تأسیسات دفاعی، آموزش و بهداشت و درمان می‌کنند. براین اساس، سالانه بخش قابل توجهی از منابع مالی دولت‌ها تحت عنوان بودجه عمرانی به انجام این وظیفه اختصاص می‌یابد و انتظار می‌رود بهره‌برداری اصولی از آن، با توسعه زیرساخت‌های اقتصادی، گسترش ظرفیت‌های تولیدی جامعه را به همراه داشته باشد.

با وجود این، بررسی حجم و مشخصات طرح‌های عمرانی نیمه‌تمام موجود و حتی تمام‌شده قبلی، حاکی از این حقیقت است که اغلب طرح‌های عمرانی، به‌رغم جذب بخش قابل ملاحظه‌ای از منابع، با مشکل طولانی شدن مدت اجرا و افزایش هزینه‌های تمام شده مواجه‌اند. در واقع بررسی میانگین وزنی مدت اجرای پروژه‌های عمرانی استانی خاتمه‌یافته گویای این حقیقت است که مدت زمان اجرای این پروژه‌ها از ۳/۵ سال در سال ۱۳۸۸ به ۶/۴ سال در سال ۱۳۹۳ افزایش یافته است و یا بررسی طرح‌های عمرانی استانی براساس برنامه زمان‌بندی گویای این حقیت است که در سال ۱۳۹۳، نزدیک به ۵۰ درصد از پروژه‌های عمرانی با وزن مالی ۶۰ درصد، از برنامه زمان‌بندی مصوب در بودجه عقب مانده‌اند[۱]. ابعاد اهمیت حساس شدن به این مسأله زمانی مشخص می‌شود که بدانیم، طولانی شدن مدت زمان اجرای طرح‌ها به معنای معطل ماندن منابع مالی و فیزیکی کشور به صورت طرح‌های نیمه‌تمام و افزایش هزینه تمام‌شده آنهاست و از این واقعیت حکایت دارد که متناسب با اعتبارات عمرانی مصرف شده، ظرفیت‌های جدیدی در کشور ایجاد نشده است. چنانچه هزینه فرصت حاصل از معطل ماندن منابع نیز به هزینه‌های

۱. براساس گزارش‌های نظارتی پروژه‌های عمرانی استانی طی سال‌های ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۳، انتشار یافته توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22286454.1396.8.30.7.8]
[DOI: 10.29252/jemr.8.30.7]

تمام‌شده طرح‌ها افزوده شود، عدم کارآیی نظام فنی- اجرایی طرح‌های عمرانی کشور آشکارتر می‌شود.

به‌طور معمول عدم دسترسی کافی به منابع مالی به‌عنوان مهم‌ترین علت این ناکارآیی بیان می‌شود، اما براساس مطالعات انجام شده در این زمینه عواملی دیگری نیز در کنار محدودیت‌های مالی، بر سرنوشت طرح‌های عمرانی اثرگذارند. حلاج و جلالی (۱۳۸۹)، معتقدند که ابهام در چگونگی تصویب و مرجع تصویب‌کننده طرح‌ها، عامل اصلی این ناکارایی محسوب می‌شود. خضری (۱۳۸۴) و کردبچه (۱۳۸۵)، معتقدند که تصمیم‌گیری‌های سیاسی نمایندگان مجلس و مقام‌های دولتی در تصویب طرح‌ها و پروژه‌های جدید بدون رعایت محدودیت منابع قابل تأمین، از مشکلات اصلی در روند اجرای طرح‌های عمرانی است. قاسمی و همکاران (۱۳۸۷)، بر این تأکید دارند که تسلط اولویت‌های بخشی و منطقه‌ای بر اولویت‌های ملی عامل این ناکارایی است. توکلی (۱۳۸۶)، معتقد است که عدم التزام به قانون در تهیه و اجرای پروژه‌های عمرانی مهم‌ترین معضل پیش‌روی طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای محسوب می‌شود.

براین اساس، اگرچه هر یک از موارد یادشده، ناکارآیی در اجرای طرح‌های عمرانی را به جنبه‌ای خاص از رفتار بازیگران فرآیند بودجه‌ریزی نسبت می‌دهد، مقاله پیش رو، می‌کوشد تا اثر ادوار سیاسی (انگیزه‌های سیاسی و انتخاباتی از سوی دولت و نمایندگان مجلس) را بر روال تصویب و اجرای طرح‌های عمرانی مورد واکاوی قرار دهد. همان‌طور که بیان شد، یکی از مؤلفه‌های اصلی این روند خسارت‌بار، تصویب طرح‌های عمرانی نه براساس توجیه فنی و اقتصادی طرح‌ها و منطبق بودن آن بر اسناد بالادستی و اهداف بلندمدت توسعه‌ای بوده، بلکه به علت وقوع ادوار سیاسی و انگیزه‌های انتخاباتی دولت و نمایندگان مجلس اتفاق افتاده است. بر این اساس، دغدغه اصلی مقاله حاضر پاسخ به این سوال است که آیا ادوار سیاسی بر روند تصویب و اجرای طرح‌های عمرانی استانی تأثیرگذار است یا نه؟ برای پاسخ به سوال مورد نظر، مقاله پیش‌رو در نظر دارد دو فرضیه را مورد آزمون قرار دهد. فرضیه اول: ادوار سیاسی بر سرنوشت طرح‌های عمرانی تأثیرگذار است و فرضیه دوم: اثرگذاری ادوار سیاسی بر روند تصویب و اجرای طرح‌های عمرانی در سال قبل از وقوع سیکل سیاسی (انتخابات) بزرگ‌تر

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22286454.1396.8.30.7.8]
[DOI: 10.29252/jemr.8.30.7]

است. برای این منظور از روش پانل پویای GMM طی دوره زمانی ۱۳۹۳-۱۳۷۶ و برای ۳۰ استان ایران استفاده شده است.

با توجه به مراتب فوق این مقاله در پنج بخش تنظیم شده است: بعد از بیان مقدمه در بخش دوم مقاله به ارائه مبانی نظری و تجربی تحقیق پرداخته می‌شود. در این بخش تحلیل چگونگی تأثیرگذاری ادوار سیاسی بر روند تعریف و تصویب طرح‌های عمرانی نیز بررسی شده است. در بخش سوم، پیشینه تحقیق بررسی شده است..در بخش چهارم، مدل تحقیق و روش برآورد بیان شده است. در بخش پنجم داده‌ها و نتایج تجربی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است و نهایتاً در بخش آخر از مقاله پیش‌رو، به نتیجه‌گیری و بیان راهکارهایی در جهت کاهش میزان اثرگذاری ادوار سیاسی بر طرح‌های عمرانی پرداخته می‌شود.

۲. مبانی نظری و تجربی

براساس رویکرد اقتصاد سیاسی، می‌توان تأثیر تصمیم‌های سیاسی بر نوسان‌های اقتصادی را مورد واکاوی قرار داد. در ادبیات اقتصاد سیاسی از این دیدگاه به اختصار تحت عنوان «ادوار تجاری-سیاسی[1]» یاد می‌شود و مفهوم آن این است که احتمال بروز سیکل اقتصادی در پی یک سیکل سیاسی (انتخابات) در هر کشوری وجود دارد. فرضیه اصلی حاکم بر این رویکرد حکایت از آن دارد که در تصمیم‌گیری رأی‌دهندگان به دولت و گروه حاکم و یا جایگزین‌های آنها وضعیت متغیرهای اقتصادی بسیار اثرگذار است. این دیدگاه استدلال می‌کند که، وجود ادوار تجاری- سیاسی و بالطبع وجود سیکل‌های اقتصادی به مقامات دولتی و سیاست‌گذاران (اعم از رئیس‌جمهور، نخست وزیر، نمایندگان مجلس، احزاب و...) کمک می‌نماید تا با به‌کارگیری سیاست‌های اقتصادی مناسب و شکوفا شدن اقتصاد کشور، قبل از برگزاری انتخابات شانس انتخاب مجدد خود را افزایش دهند. براساس این دیدگاه در ذهنیت عموم نامزدهای انتخاباتی این باور وجود دارد که رفتار رأی‌دهندگان و تصمیم آنها به شرکت و حضور در انتخابات متأثر از عوامل مختلفی است، ولی سهم عوامل نزدیک به زمان انتخابات بیشتر است. لذا هرگونه

1. Political Business Cycle.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22286454.1396.8.30.7.8]
[DOI: 10.29252/jemr.8.30.7]

نارضایتی اقتصادی و اجتماعی در سالی که انتخابات برگزار می‌شود به شکل کاهش حضور در انتخابات و کاهش آرای نامزدها ظاهر می‌شود. ازاین‌رو، در این سال‌ها سیاست‌های اقتصادی که معمولاً توأم با فشار و تنش هستند از دستور کار نامزدهای انتخاباتی خارج می‌شوند و در عوض طرح شعارهای جذاب و سیاست‌های مردم‌پسند (پوپولیستی) در دستور کار قرار می‌گیرد (شاه آبادی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۰). ازاین‌رو، بیشتر مطالعات انجام شده در این زمینه، تأکید بر وجود شواهد تجربی معنادار دال بر وجود این نظریه در برخی از کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته دارد، به‌طوری که در بیشتر مطالعات انجام شده توسط این دیدگاه اصطلاحاً از عبارت «اقتصاد سال انتخابات[1]» استفاده شده است (توفته[2]، ۱۹۷۸). در این زمینه می‌توان به مطالعه فایر[3] (۱۹۷۸) اشاره کرد که حاکی از این نتیجه است که در سال انتخابات، تغییراتی در روند فعالیت‌های مؤثر بر متغیرهای اقتصادی ظاهر می‌شود که این تغییرات اثرات مثبتی بر رأی دادن به رئیس جمهور وقت ایجاد می‌کند.

علیرغم وجود شواهد تجربی قابل درک و معتبر مبنی بر بهبود شرایط اقتصادی و تأثیر شرایط اقتصادی مناسب، در افزایش احتمال انتخاب مجدد سیاست‌گذاران، نتایج برخی از مطالعات تجربی به‌ویژه در کشورهای توسعه‌یافته حاکی از آن است که شواهد آماری قوی در زمینه فعالیت‌های اقتصادی قبل از انتخابات در این کشورها وجود ندارد و شواهد تجربی از این فرضیه حمایت نمی‌کند (درازن[4]، ۲۰۱۰). این نوع مطالعات بیانگر این نکته می‌باشند که، رأی‌دهندگان در مورد مسائل اقتصادی نگرانند و به سادگی تحت تأثیر شرایط مساعد اقتصادی کوتاه‌مدت قرار نمی‌گیرند، چراکه آنها افق بلندمدت را در الگوی رأی دادن خود مد نظر قرار می‌دهند. با فرض صحت چنین مطالعاتی مبنی بر فقدان شواهد کافی برای اثرگذاری ادوار سیاسی بر وضعیت متغیرهای اقتصادی، ادبیات تازه‌ای جهت آزمون اثر ادوار سیاسی بر ابزارهای اقتصادی توسعه یافته است (برندر و درازن[5]، ۲۰۰۸).

1. Election Year Economics
2. Tufte
3. Fair
4. Drazen
5. Brender & Drazen

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22286454.1396.8.30.7.8]
[DOI: 10.29252/jemr.8.30.7]

طرفداران این دیدگاه معتقدند، نتایجی که فایر در رابطه با اثرگذاری سیکل‌های سیاسی بر متغیرهای اقتصادی دست یافته بود، ممکن است به نوع دیگر مطرح شود و ازاین‌رو، ادبیات جدیدی تحت عنوان سیکل مالی-سیاسی (سیکل بودجه‌ای - سیاسی[1]) در سال انتخابات مطرح می‌شود. این دیدگاه به‌طور ویژه، به آزمون وجود انبساط‌های مالی در سال‌های منتهی به انتخابات می‌پردازد. براساس این دیدگاه استدلال می‌شود که وجود انبساط‌های مالی در یک اقتصاد گویای وضعیت اقتصادی مطلوب است که این مسأله باعث اثرگذاری مطلوب بر انتخابات نیز خواهد شد. البته ممکن است در برخی از موارد شاهد فقدان اثرگذاری یک سیکل سیاسی بر فعالیت‌های اقتصادی باشیم. این بدان معنا است که امکان دارد سیاست‌های مالی برای گروه‌های خاصی از رأی دهندگان هدف‌گذاری شود. در این حالت گسترش و انبساط در فعالیت‌های اقتصادی به آن صورتی که اقتصاددانان و ناظران در جستجوی آن هستند، مشاهده نمی‌شود، اما در واقع، چنین سیاست‌هایی روی حوزه‌های انتخاباتی خاص اثرگذار خواهد بود. بنابراین، احتمال انبساط‌های مالی که به صورت مخارج عمومی و تخفیف‌های مالیاتی هدف‌گذاری شده است و به‌منظور کسب حمایت گروه‌های خاصی از رأی‌دهندگان بکارگرفته می‌شود، می‌تواند نتایج بهتری در کل اقتصاد به دست آورد.

همچنین، براساس ادبیات نظری صورت گرفته در این رابطه استدلال می‌شود که چنانچه سیاستمداران برخی سیاست‌های انبساطی را قبل از برگزاری انتخابات به کار بگیرند، این احتمال وجود دارد که آنها چیزی به غیر از نتایج اقتصادی آن سیاست (رکود یا رونق) را بدست آورند. به عبارت دیگر، این احتمال وجود دارد که با به‌کارگیری چنین سیاست‌هایی شانس موفّقیّت مقامات دولتی در انتخاب مجدد افزایش یابد، درحالی که ممکن است ناظران (اقتصاددانان) قادر به تشخیص و مشاهده هیچ گونه اثری بر فعالیت‌های اقتصادی نباشند. در این راستا می‌توان استدلال کرد که وجود ادوار بودجه‌ای- سیاسی در اقتصاد منعکس کننده تمایل مقامات و سیاستمداران فعلی برای انتخاب دوباره‌شان است. از این نظر مهم‌ترین هدفی که در مورد تخصیص بودجه دنبال می‌شود حفظ قدرت از طریق انتخاب نوعی از تخصیص است که نهایتاً

1. Political Budget Cycles (PBC).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22286454.1396.8.30.7.8]
[DOI: 10.29252/jemr.8.30.7]

محبوبیت سیاست‌گذار یا سیاست‌گذاران را حداکثر کرده و امکان اینکه دوباره در انتخابات پیروز شوند را فراهم می‌آورد. بر این اساس وجود ادوار سیاسی نه تنها در کشورهای کمتر توسعه‌یافته بلکه در کشورهای توسعه‌یافته نیز تأیید می‌شود. مطالعات بسیاری با استفاده از داده‌های ترکیبی (مقطعی-سری زمانی) وجود ادوار بودجه‌ای - سیاسی را هم برای کشورهای در حال توسعه و هم برای کشورهای توسعه یافته آزمون کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که ادوار سیاسی-تجاری در قالب ادوار بودجه‌ای-سیاسی در هر دو گروه از کشورها قابل مشاهده است. به عنوان مثال، شی و اسونسون[1] (۲۰۰۲) در مقاله‌ای با استفاده از داده‌های تابلویی برای ۹۱ کشور توسعه یافته و در حال توسعه، شواهد معناداری از افزایش کسری بودجه در سال‌های قبل از برگزاری انتخابات بدست آوردند.

پرسون و تابلینی[2] (۲۰۰۲)، نیز در یک نمونه از ۶۰ کشور طی دوره ۱۹۹۸- ۱۹۶۰، به این نتیجه دست یافتند که علیرغم عدم وجود رابطه معنی‌دار آماری بین سال انتخابات و کسری بودجه دولت، بین کاهش نرخ مالیاتی و سال انتخابات رابطه معناداری وجود دارد. نتایج چنین مطالعاتی حاکی از آن است که سیکل‌های بودجه‌ای-سیاسی، یک پدیده شایع و گسترده در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته است. لذا، این پدیده در اکثر کشورها وجود داشته و تنها نوع ظهور آن و شدت و ضعف آن در کشورهای مختلف متفاوت است. البته مطالعه ادبیات مربوط به اثر ادوار سیاسی بر متغیرهای اقتصادی گویای این حقیقت است که دیدگاه متفاوت دیگری نیز در مقابل دیدگاه یاد شده وجود دارد. این دیدگاه بر این باور است که سیاستمداران توانایی محدودی در ایجاد فضای فرصت‌طلبانه موفقیت‌آمیز، براساس متغیرهای اقتصادی (جهت افزایش شانس انتخاب مجدد خود در انتخابات) دارند (برندر و درازن، ۲۰۰۸).

اگرچه، طرفداران و استدلال‌کنندگان این دیدگاه، اثرات مثبت وجود یک وضعیت اقتصادی مطلوب در چشم‌انداز انتخاب مجدد مقامات فعلی را می‌پذیرند و معتقدند که سیاست‌مداران می‌توانند با موفّقیّت در سطح کلان اقتصادی، در سال انتخابات پیروز شوند، اما این دیدگاه بیان می‌کند که سیاستمدارن جهت دستکاری فعالیت‌های اقتصادی (از طریق انبساط‌های مالی و پولی)

1. Shi and Svensson
2. Persson and Tabellini

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22286454.1396.8.30.7.8]
[DOI: 10.29252/jemr.8.30.7]

همواره با این مسأله مواجه‌اند، که آیا ممکن است، انبساط‌های پولی و مالی به درستی و بدون هیچ گونه خطایی فقط قبل از انتخابات نمایان شود. از آنجا که نمی‌توان انتظار داشت که اثرات هرگونه تحریک در متغیرهای اقتصادی درست قبل از انتخابات ظاهر شود، این دیدگاه معتقد است که، سیاستمداران جهت افزایش موفّقیّت در انتخابات سعی می‌کنند در سال انتخابات به طور پیوسته و مداوم اخبار خوب اقتصادی منتشر نمایند. از طرف دیگر در تعدادی از مطالعات از قبیل پلتزمن[1] (۱۹۹۲)، کرامر[2] (۱۹۹۷)، ملونی[3] (۲۰۰۱)، برندر[4] (۲۰۰۳) و برندر و درازن[5] (۲۰۰۸)، این بحث مطرح است که رأی‌دهندگان عقلایی و منطقی عمل می‌کنند و آنها از چنین سیاست‌هایی حمایت نمی‌کنند. به‌طوری که رأی‌دهندگان، به جای دادن پاداش، به صورت دادن رأی بیشتر به مقامات فعلی فرصت‌طلب، با ندادن رأی آنها را مجازات خواهند کرد. این مطالعات شواهدی را ارائه می‌کنند که نشان از آن دارد که رأی‌دهندگان در اقتصادهای توسعه‌یافته اغلب تمایل داشته، مقامات ایجادکننده کسری‌های بودجه‌ای را از مسؤلیت‌شان عزل نمایند. چنین شرایطی اهمیت در دسترس بودن اطلاعات (مانند در دسترس بودن رسانه‌های گروهی که اطلاعات را به رأی‌دهندگان انتقال دهد) را نشان می‌دهد. زیرا دسترسی به اطلاعات بیشتر احتمالاً منجر به این خواهد شد که رأی‌دهندگان، سیاست‌گذارانی که قبل از انتخابات به دستکاری‌های مالی می‌پردازند، را مجازات نمایند.

به‌طور خلاصه و براساس مبانی نظری مطرح شده در این زمینه می‌توان گفت که از مقامات فعلی تنها ممکن است افرادی در اخذ رأی موفّق شوند و احتمال انتخاب مجدد خود را افزایش دهند که، بتوانند دستکاری‌های مالی خود را در سال انتخابات پنهان نمایند و این باور عمومی را ایجاد کند که شرایط اقتصادی خوب، منعکس کننده موفّقیّت سیاست‌های اقتصادی وی و توانایی بالای او در جایگاه سیاست‌گذاری است. از آنجا که چنین حالتی در بیشتر کشورهای جهان معقول به‌نظر نمی‌رسد، (زیرا رأی‌دهندگان می‌دانند که در سال‌های منتهی به انتخابات به‌طور ویژه داده‌های مالی مورد دستکاری قرار می‌گیرد) ازاین‌رو، بعید است که رأی‌دهندگان

1. Peltzman
2. Kraemer
3. Meloni
4. Brender
5. Brender and Drazen

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22286454.1396.8.30.7.8]
[DOI: 10.29252/jemr.8.30.7]

براساس متغیرهای اقتصادی ساختگی در سال‌های منتهی به انتخابات به سیاست‌گذاران رأی دهند. از همین‌رو این نتیجه حاصل می‌شود که اثرات سیکل‌های سیاسی انتخابات بر فعالیت‌های کلان اقتصادی به آسانی و با همان وضوح که در ابتدا گمان می‌رفت، نیست. این مسأله ممکن است به این دلیل باشد که سیاستمداران فرصت‌طلب که سعی دارند، فعالیت‌های اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهند، در انجام چنین کاری ناموفق هستند. زیرا آنها نیز متوجه این نکته هستند که دستکاری‌های اقتصادی توسط آنها ممکن است از دید تحلیل‌گران، صاحب‌نظران و آحاد ملت پنهان نماند و این مسأله علاوه بر اینکه هیچ کمک شایانی برای انتخاب مجددشان نمی‌کند، بلکه آن را در شرایط بدتر نیز قرار می‌دهد و ازاین‌رو، شانس پیروزی سیاست‌گذار را در انتخابات مجدد کاهش می‌دهد. اما همانطور که پیش‌تر بیان شد، دستکاری‌های مالی ممکن است در سطوح متفاوت دیگری نیز رخ دهد. برای مثال این امر ممکن است از طریق پرداخت‌های انتقالی به یک گروه از طریق کاهش پرداخت‌های انتقالی گروه‌های دیگر، تغییر در ترکیب اجزای هزینه‌ای به نفع یک گروه خاص، کاهش نرخ مالیات برای گروه‌های درآمدی خاص و یا مشاغل و صنایع خاص، پرداخت یارانه و یا خدمات عمومی بیشتر به گروه‌های خاصی از رأی‌دهندگان و... انجام گیرد. که این امر با تأثیرگذاری بر حوزه انتخاباتی خاص و منافع گروه خاص، احتمال انتخاب مجدد سیاست‌گذار را فرآهم می‌آورد.

پروژه‌های عمرانی ملموس‌ترین بخش برنامه‌های توسعه هستند که برای دستیابی به هدف‌های خاص از جمله: ارتقای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و کارکرد مولد آن، مقاوم‌سازی اقتصاد در برابر شوک‌ها، دستیابی به رشد بالا و پایدار انجام می‌شوند، اما از آنجا که تدوین و اجرای طرح‌های عمرانی در اقتصاد کشور، به‌طور عمده پس از شکل‌گیری برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی دنبال و این طرح‌ها از محل اعتبارات طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در بودجه دولت تأمین مالی می‌شوند، موفّقیّت این طرح‌ها به معیار برجسته‌ای در سنجش و قضاوت عملکرد دولت‌ها تبدیل شده است، به‌گونه‌ای که از یک سو، تصویب و اجرای طرح‌های عمرانی بازتابی از کارآیی و اثربخشی شیوه‌های مدیریتی در کشور است و از سوی دیگر، تصویب و اجرای طرح‌های عمرانی جدید به عنوان یک قاعده‌ی طلایی در اهتمام دولت‌ها به انجام وظایف

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22286454.1396.8.30.7.8]
[DOI: 10.29252/jemr.8.30.7]

توسعه‌ای به شمار می‌آید. براساس این، سرنوشت طرح‌های عمرانی از ناحیه مسلط شدن ملاحظات سیاسی و انتخاباتی ناشی از ادوار سیاسی، همواره در خطر است. در همین راستا صادقی شاهدانی و آقاجانی معمار (۱۳۹۴) بیان می‌کنند که هر چه سطح تمرکززدایی در استان‌ها بیشتر شود و انجام پروژه‌های عمرانی بیشتری به مسئولین استانی واگذار شود، رشد اقتصادی استان‌ها بهبود می‌یابد.

به عبارت دیگر، شروع پروژه‌های عمرانی به عنوان یک ژست توسعه‌ای در ادوار سیاسی، به کلید خوردن بی‌محابای طرح‌های عمرانی بدون توجه به ظرفیت‌های مالی و اجرایی کشور منجر می‌شود. زیرا مقام‌های سیاسی می‌خواهند در انتخابات پیروز شوند و براساس این، آنها با استفاده از قاعده طلایی کلنگ‌زنی و عزم در سازندگی، در دوره‌های نزدیک به انتخابات می‌کوشند اذهان عمومی را نسبت به خود در خصوص عمران و آبادانی کشور راضی نگه دارند، به نحوی که از طریق تصویب و اجرای طرح‌های عمرانی جدید در محدوده نفوذ خود، رضایت رأی‌دهندگان را حداکثر کنند و از این راه احتمال انتخاب مجدد خود را در انتخابات بعدی افزایش دهند، بدون اینکه به این نکته توجه کنند که آیا اقتصاد توان فنی و اجرایی به اتمام رساندن این همه طرح را دارد؟ یا اینکه تصویب طرح در یک منطقه جغرافیایی چه سطحی از انتظارات اجتماعی خاص خود را ایجاد می‌کند؟ و اینکه در افق‌های میان‌مدت و بلندمدت چه هزینه‌هایی از ناحیه وجود انبوه طرح‌های عمرانی نیمه‌تمام به اقتصاد کشور تحمیل می‌شود؟

ازاین‌رو، برای بیان تجربی اثر ادوار سیاسی بر طرح‌های عمرانی، در نمودار (۱)، اثر سیکل سیاسی مجلس بر طرح‌های عمرانی در یک سال قبل از انتخابات مجلس (۱۳۸۹)، سال انتخابات مجلس (۱۳۹۰) و یک سال بعد از انتخابات مجلس (۱۳۹۱)، به تصویر کشیده شده است. با توجه به نمودار مشاهده می‌شود که، در یک سال قبل از انتخابات و سال انتخابات، تصویب پروژه‌های عمرانی جدید افزایش می‌یابد. این افزایش برای برخی از استان‌ها مانند تهران، اصفهان، سیستان و بلوچستان، خراسان رضوی، کرمان، فارس، خوزستان، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، گیلان، مازندران، کرمانشاه و یزد چشمگیر است، اما نکته قابل تأمل این است که در سال بعد از انتخابات، پروژه‌های جدید در تمام استان‌ها کاهش یافته، در واقع، در یک سال قبل از انتخابات

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22286454.1396.8.30.7.8]
[DOI: 10.29252/jemr.8.30.7]

و سال انتخابات نمایندگان مجلس با انگیزه‌های سیاسی و برای انتخاب مجدد خود در انتخابات، به تصویب هرچه بیشتر طرح‌ها در محدوده خویش اقدام کرده‌اند و در سال بعد از انتخابات که انگیزه‌های سیاسی از بین رفته است، از شدت تصویب پروژه‌های جدید برای شهر یا استان خود کاسته‌اند.

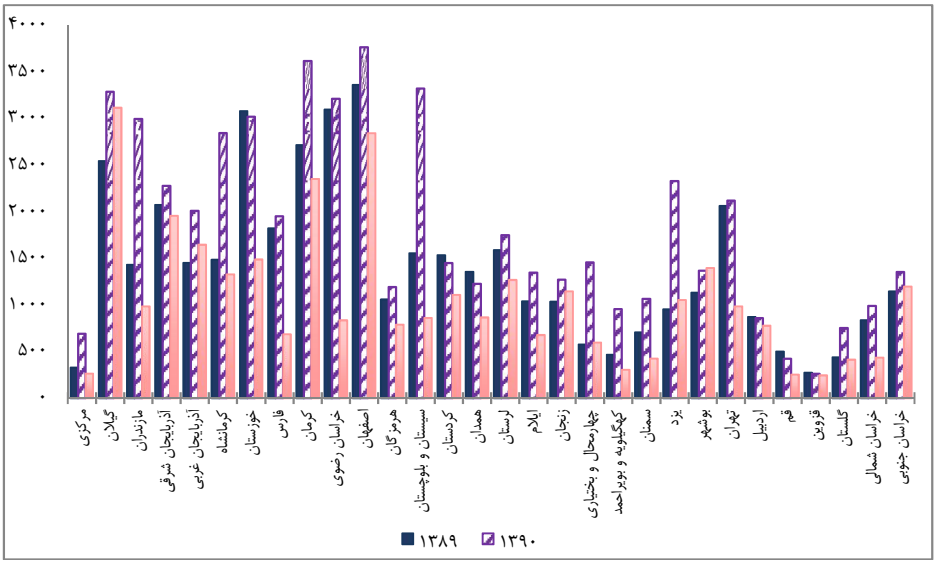

نمودار ۱. تعداد پروژه‌های عمرانی جدید استانی

منبع: گزارش‌های نظارتی پروژه‌های عمرانی استانی طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۸۹.

از سوی دیگر در نمودار (۲)، مشاهده می‌شود که به علت کلید خوردن بی‌محابای طرح‌های عمرانی با انگیزه‌های سیاسی و ملاحظات انتخاباتی، به چه میزان در سال‌های بعد از انتخابات، طرح‌های عمرانی کمتر از ۲۰ درصد پیشرفت فیزیکی، افزایش یافته است. در واقع، نمودار فوق نشان می‌دهد که یک سال بعد از انتخابات به چه میزان طرح‌های عمرانی کلنگ خورده و رها شده در استان‌ها افزایش یافته است. البته امکان دارد شدت افزایش طرح‌های عمرانی کمتر از ۲۰ درصد پیشرفت در سال ۱۳۹۱ تا حدی ناشی از تشدید تحریم‌ها باشد، اما در هر صورت دولت-مردان و مجلس در تصویب لایحه بودجه از تشدید این تحریم‌ها و کمبود منابع پیش‌رو باخبر

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22286454.1396.8.30.7.8]
[DOI: 10.29252/jemr.8.30.7]

بوده‌اند، اما به علت تسلط ملاحظات سیاسی ناشی از انتخابات مجدداً به تصویب طرح‌های عمرانی جدید اقدام کرده‌اند.

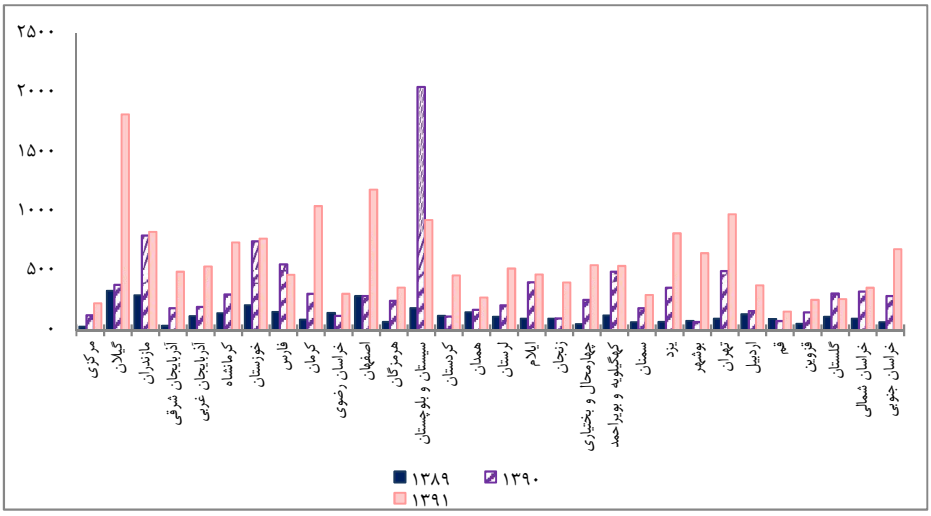

نمودار ۲. تعداد پروژه‌های عمرانی کمتر از ۲۰ درصد پیشرفت فیزیکی در استان‌ها

منبع: گزارش‌های نظارتی پروژه‌های عمرانی استانی طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۸۹.

نمودار (۳) از زاویه دیگر، نتایج بدست آمده را تأیید می‌کند. بر اساس نمودار فوق مشاهده می‌شود که، اثر سیکل سیاسی مجلس بر طرح‌های عمرانی استانی از یک سال قبل از انتخابات شروع شده و در سال انتخابات به اوج خود می‌رسد. علت این امر آن است که سند بودجه معمولاً در آذرماه هر سال در اختیار مجلس قرار می‌گیرد، در حالی که انتخابات مجلس در اسفند ماه هر سال برگزار می‌شود. ازاین‌رو، نمایندگان مجلس، سند بودجه‌ای که در سال انتخابات (یعنی سال ۱۳۹۰) توسط دولت به مجلس ارائه می‌شود را به عنوان تنها فرصت تبلیغاتی تا زمان باقی‌مانده به انتخابات می‌داند و از این گذر اثر سیکل سیاسی مجلس در سال انتخابات بر تصویب طرح‌های عمرانی جدید شدیدتر است. از سوی دیگر، نمودارهای فوق گویای این واقعیت است که مسئولان و سیاست‌گذاران به منظور تخصیص بودجه بین استان‌ها براساس منافع عمل می‌کنند. لذا، نظام چانه‌زنی، تأثیر قطعی و نهایی در نحوه تخصیص بودجه جهت تکمیل پروژه‌های عمرانی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22286454.1396.8.30.7.8]
[DOI: 10.29252/jemr.8.30.7]

و تصویب پروژه‌های عمرانی جدید بین استان‌ها دارد. به این صورت که چه در یک سال قبل از انتخابات و چه در سال انتخابات، استان‌ها با نمایندگان بیشتر (نظیر: آذربایجان شرقی (۱۹ نماینده)، آذربایجان غربی (۱۲ نماینده)، اصفهان (۱۹ نماینده)، تهران (۳۵ نماینده)، خراسان رضوی (۱۸ نماینده)، خوزستان (۱۸ نماینده)، فارس (۱۸ نماینده)، گیلان (۱۸ نماینده)، مازندران (۱۲ نماینده)، کرمان (۱۰ نماینده)، کرمانشاه (۸ نماینده) و سیستان و بلوچستان (۸ نماینده)) از قدرت چانه‌زنی بالاتری جهت تخصیص بودجه و تکمیل طرح‌های عمرانی و همچنین تصویب هرچه بیشتر طرح‌های عمرانی جدید برخوردار بوده‌اند. لذا اثر سیکل سیاسی بر طرح‌های عمرانی این استان‌ها شدیدتر و چشمگیرتر بوده است. در حالی که استان‌هایی با تعداد نماینده محدود (نظیر: ایلام (۳ نماینده)، بوشهر (۴ نماینده)، چهار محال و بختیاری (۴ نماینده)، خراسان جنوبی (۴ نماینده)، خراسان شمالی (۴ نماینده)، سمنان (۴ نماینده)، قزوین (۴ نماینده)، قم (۳ نماینده) و کهگیلویه و بویر احمد (۳ نماینده))، قدرت چانه‌زنی پایینی جهت تصویب طرح‌های عمرانی جدید و تخصیص بودجه جهت تکمیل طرح‌های عمرانی نیمه تمام دارند. ازاین‌رو، اثر سیکل سیاسی بر این استان‌ها آن‌چنان محسوس نیست. همچنین براساس نمودار (۴)، مشاهده می‌شود که روند مورد اشاره در سیکل ریاست جمهوری نیز تکرار شده است. به این صورت که از یک سال قبل از وقوع سیکل سیاسی ریاست جمهوری، تعداد پروژه‌های عمرانی جدید و تحقق یافته تأثیر مثبت از این سیکل سیاسی پذیرفته‌اند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22286454.1396.8.30.7.8]
[DOI: 10.29252/jemr.8.30.7]

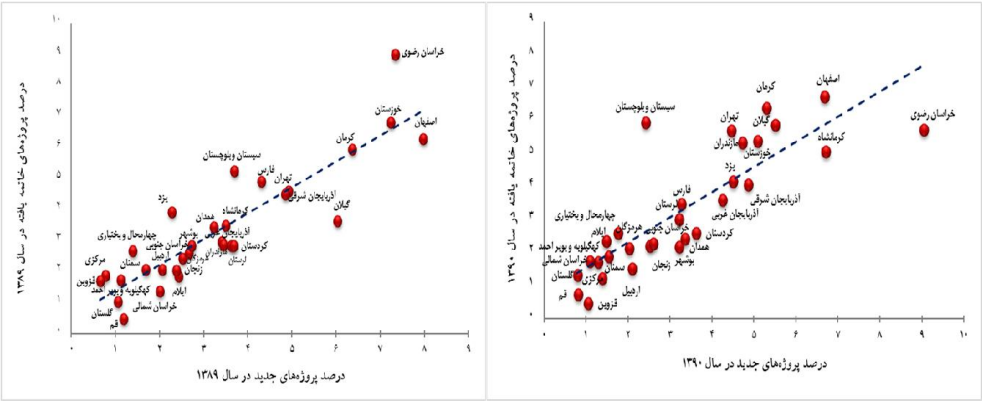

نمودار ۳. تأثیرپذیری پروژه‌های عمرانی از سیکل سیاسی مجلس در سال انتخابات و یک سال قبل از انتخابات (درصد از تعداد)

منبع: گزارش‌های نظارتی پروژه‌های عمرانی استانی طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۸۹.

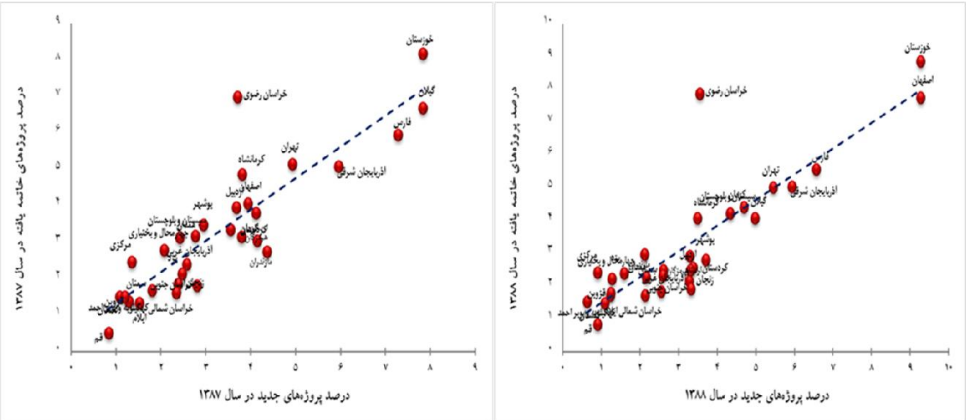

نمودار ٤. تأثیرپذیری پروژه‌های عمرانی از سیکل سیاسی ریاست جمهوری در سال و یک سال قبل از انتخابات (درصد از تعداد)

منبع: گزارش‌های نظارتی پروژه‌های عمرانی استانی طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۸۹.

این امر در حالی است که براساس نمودار (۵)، مشاهده می‌شود، استان‌هایی که از قدرت چانه‌زنی بالایی برای تصویب طرح‌های عمرانی جدید در یک سال قبل از انتخابات و در سال انتخابات برخوردار بودند، و ازاین‌رو، به تصویب هر چه بیشتر طرح‌های عمرانی در حوزه انتخابیه خود اقدام کردند، در یک سال بعد از انتخابات به چه میزان با طرح عمرانی کمتر از ۲۰ درصد

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22286454.1396.8.30.7.8]
[DOI: 10.29252/jemr.8.30.7]

پیشرفت فیزیکی مواجه شده‌اند. در واقع نمودار فوق، گویای این حقیقت است که تصویب طرح‌های عمرانی صرفاً با انگیزه‌های سیاسی و بدون توجه به مطالعات فنی اجرایی در یک سال بعد از انتخابات (یعنی سال ۱۳۹۱)، به صورت فزاینده‌ای بر درصد از تعداد پروژه‌های عمرانی زیر ۲۰ درصد پیشرفت فیزیکی (طرح‌هایی که در مراحل ابتدایی از اجرای پروژه می‌باشند) در استان‌های کشور افزوده است. همچنین براساس نمودار (۶)، نیز مشاهده می‌شود، که در یک سال بعد از انتخابات ریاست جمهوری، شاهد پروژه‌های عمرانی کمتر از ۲۰ درصد پیشرفت فیزیکی در استان‌هایی هستیم، که بیشترین درصد طرح‌های جدید را در سال انتخابات یا یک سال قبل از انتخابات کلید زده‌اند. اهمیت حساس شدن به این مسأله از آنجا دوچندان می‌شود که بدانیم، تصویب بی‌محابای طرح‌های عمرانی فراتر از ظرفیت‌های اجرایی و توان مالی در هر استان، علاوه بر آنکه، موجب می‌شود در عمل بودجه اندک و ناکافی به صورت قطره‌چکانی به تعداد بسیار زیادی از پروژه‌های عمرانی تعلق گیرد و به افزایش طرح‌های عمرانی نیمه‌تمام دامن می‌زند و با بلوکه کردن سرمایه در استان به صورت طرح‌های عمرانی ناتمام با کمتر از ۲۰ درصد پیشرفت فیزیکی، بر روی رشد اقتصادی استان اثر منفی برجای می‌گذارد. چراکه طرح‌های عمرانی به عنوان نهاده واسطه‌ای و پیش‌نیاز برای حضور فعال بخش خصوصی محسوب می‌شوند در نتیجه تأخیر در مراحل اجرای این پروژه‌ها، به عنوان مانعی برای گسترش ظرفیت‌های تولیدی در هر استان عمل می‌کند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22286454.1396.8.30.7.8]
[DOI: 10.29252/jemr.8.30.7]

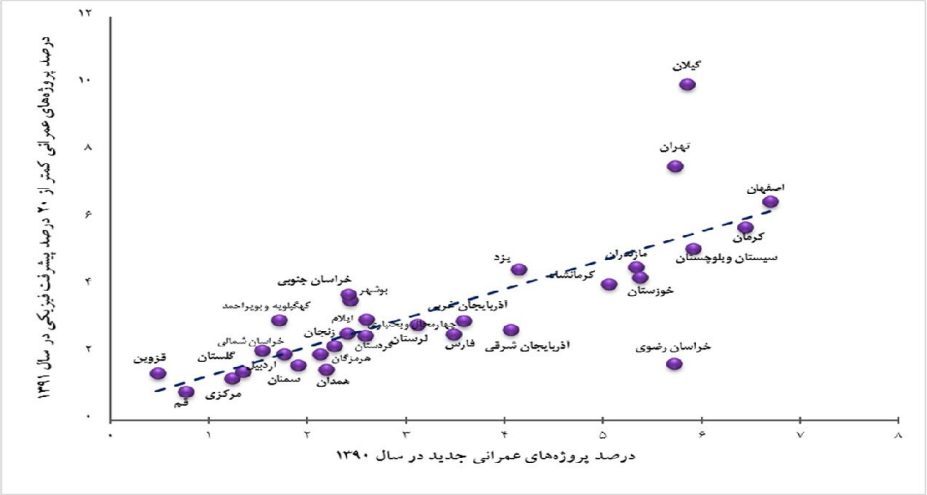

نمودار ۵. تأثیرپذیری پروژه‌های عمرانی کمتر از ۲۰ درصد پیشرفت فیزیکی، در سال بعد از انتخابات مجلس (درصد از تعداد)

منبع: گزارش‌های نظارتی پروژه‌های عمرانی استانی طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۸۹.

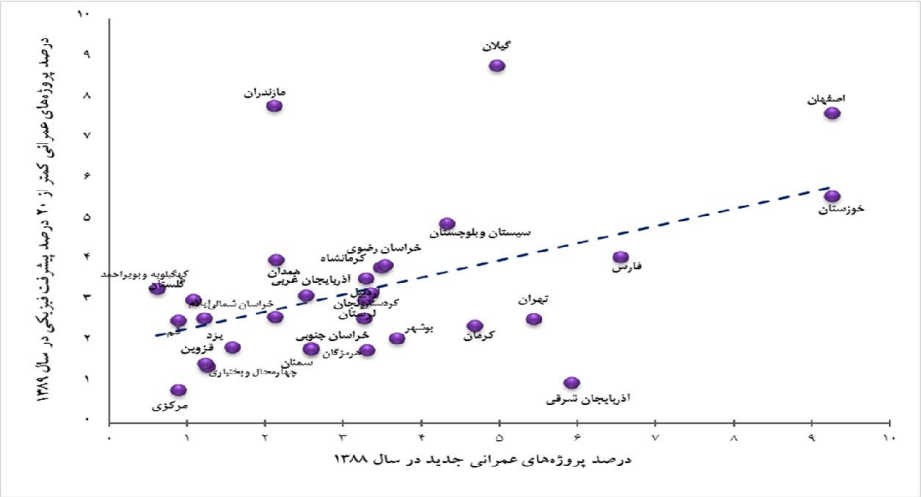

نمودار ٦. تأثیرپذیری پروژه‌های عمرانی کمتر از ۲۰ درصد پیشرفت فیزیکی یک سال بعد از انتخابات ریاست جمهوری (درصد از تعداد)

منبع: گزارش‌های نظارتی پروژه‌های عمرانی استانی طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۸۹.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22286454.1396.8.30.7.8]
[DOI: 10.29252/jemr.8.30.7]

۳. پیشینه تحقیق

مطالعات فایر[1] (۱۹۷۸) در رابطه با انتخابات ریاست جمهوری آمریکا طی دوره ۱۹۱۶-۱۹۷۶، حاکی از آن است که در سال انتخابات، تغییراتی در روند فعالیت‌های مؤثر بر متغیرهای اقتصادی ظاهر می‌شود که این تغییرات اثرات مثبتی بر رأی دادن به رئیس جمهور وقت ایجاد می‌کند. به همین صورت، نتایج مطالعات فایر نشان می‌دهد که، افزایش یک درصدی در نرخ رشد اقتصادی کشور، به‌طور معنی‌دار رأی رئیس جمهوری را برای انتخاب مجدد، در حدود یک درصد افزایش می‌دهد. مطالعات متعدد دیگری در کشورهای مختلف نیز به نتایج مشابهی در خصوص تأثیرگذاری شرایط اقتصادی قبل از انتخابات، بر الگو و ترکیب آرای عموم تأکید دارند. لویس و بک[2] (۱۹۸۸)، استدلال می‌کند که نتایج مطالعات فایر برای آمریکا، به نوعی در کشورهای انگلستان، فرانسه، آلمان غربی، ایتالیا و اسپانیا نیز وجود دارد. مادسن[3] (۱۹۸۰)، نیز در مطالعات خود به نتایج مشابهی با کار تحقیقاتی فایر برای کشورهای دانمارک، نروژ و سوئد اشاره می‌کند.

مطالعات متعدد انجام شده توسط: بلوک[4] (۲۰۰۲)، گالی و روسی[5] (۲۰۰۲)، گونزالس[6] (۲۰۰۲)، خی‌مانی[7] (۲۰۰۴)، اف‌تی‌والا[8] (۲۰۱۲)، فورمنی و ریدل[9] (۲۰۱۲) و کلامپ و دی‌هان[10] (۲۰۱۳)، وجود یک الگوی دوره‌ای در درآمدها و هزینه‌های عمومی به پیروی از ادوار انتخاباتی در راستای انتخاب مجدد را تأیید می‌کنند. به این صورت که دولت وقت با اجرای سیاست‌هایی همچون کاهش مالیات یا افزایش هزینه‌های عمومی که اغلب به گسترش کسری بودجه می‌انجامد، ابتدا برای رأی‌دهندگان منفعت حاصل می‌کند و سپس احتمال انتخاب مجدد خود را افزایش می‌دهد.

1. Fair
2. Lewis and Beck
3. Madsen
4. Block
5. Galli and Rossi
6. González
7. Khemani
8. Efthyvoulou
9. Foremny and Riedel
10. Klomp and De Haan

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22286454.1396.8.30.7.8]
[DOI: 10.29252/jemr.8.30.7]

در این راستا، مطالعات فوکالت و همکاران[1] (۲۰۰۸)، شواهدی مبنی بر افزایش مخارج عمومی در دوره‌های قبل از انتخابات برای یک نمونه از شهرداری‌های فرانسه را تأیید می‌کند. ویگا و ویگا[2] (b ۲۰۰۷)، در رابطه با انتخابات محلی در پرتغال، به این نتیجه دست یافت که در سال‌های انتخابات نسبت به سال‌های دیگر، درآمدهای مالیاتی پایین‌تر، هزینه‌های عمومی بالاتر و در نهایت کسری بودجه گسترده‌تر است.

مطالعات لاگو-پناس و لاگو- پناس[3] (۲۰۰۸)، وجود شواهدی در اسپانیا، مبنی بر افزایش کسری بودجه در سال‌های منتهی به انتخابات را برای تعدادی از شهرداری‌ها در آستوریاس تأیید می‌کند. نتایج مطالعات صورت گرفته توسط ویلا[4] (۲۰۱۰)، تأیید می‌کند که در سال قبل از انتخابات و در موارد خاص در سال انتخابات هزینه‌های سرمایه‌ای افزایش می‌یابد. ویسنته و همکاران[5] (۲۰۱۳)، با مطالعه بر روی بزرگ‌ترین شهرداری اسپانیا، به این نتیجه دست یافتند که در سال انتخابات مخارج عمومی افزایش می‌یابد. با این حال، صرف نظر از سطح شفافیت مالی، در مطالعات ویسنته و همکاران، افزایش هزینه‌های سرمایه‌ای و کاهش مالیات‌ها در طول دوره انتخابات مشاهده شده است.

پلتزمن (۱۹۹۲)، نشان داد که رأی دهندگان آمریکایی، دولت‌هایی را که در زمان انتخابات هزینه‌های عمومی را افزایش داده‌اند با رأی ندادن مجازات کرده‌اند. کرامر (۱۹۹۷)، در مجموعه‌ای از کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب نشان داد که کسری بودجه در سال قبل از انتخابات در انتخاب شدن احزاب وقت تأثیر منفی داشته است. برندر (۲۰۰۳)، به نتایج مشابه‌ای در رابطه با انتخابات محلی در رژیم اشغال‌گر قدس دست یافت، به این صورت که کسری بودجه گسترده‌تر در سال قبل از انتخابات احتمال انتخاب مجدد حزب حاکم را کاهش داده است. برندر و درازن (۲۰۰۸)، شواهدی از کشورهای توسعه‌یافته مبنی بر پایین آمدن شانس انتخاب مجدد برای دولت‌هایی که به علت کاهش مالیات در سال انتخابات با کسری بودجه مواجه شده‌اند را

1. Foucault et al
2. Veiga and Veiga
3. Lago-Penas and Lago-Penas
4. Vila
5. Vicente et al

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22286454.1396.8.30.7.8]
[DOI: 10.29252/jemr.8.30.7]

ارائه نمودند. ملونی (۲۰۰۱)، با تجزیه و تحلیل در حوزه‌های انتخاباتی آرژانتین نشان داد که افزایش در هزینه‌های عمومی تأثیر منفی در درصد آرا به دست آمده توسط حزب حاکم دارد.

با این حال، بررسی دیگر مطالعات انجام شده در ادبیات سیکل‌های سیاسی- بودجه‌ای نشان دهنده تأثیرات معکوس است، یعنی، رأی‌دهندگان به رفتارهای فرصت‌طلبانه پاداش می‌دهند. احمدوف و زورآوس‌کایا[1] (۲۰۰۴)، با مطالعه انتخابات منطقه‌ای در روسیه، ویگا و ویگا[2] (a ۲۰۰۷) و آی‌دت و همکاران[3] (۲۰۱۱)، در رابطه با انتخابات شهرداری‌ها در پرتغال، به این نتیجه دست یافتند که افزایش در هزینه‌های عمومی پیش از انتخابات احتمال انتخاب مجدد دولت را افزایش می‌دهد. ساکورای و منزس-فیلو[4] (۲۰۰۸)، مشاهده کرد که هزینه‌های بالاتر در قوه مقننه احتمال انتخاب مجدد برای دولت‌های ایالتی برزیل را افزایش می‌دهد. اسلاوا[5] (۲۰۰۵)، با مطالعه در رابطه با شوراهای شهر کلمبیا، به این نتیجه رسید که اگر چه کسری بودجه پیش از انتخابات در پای صندوق‌های رأی اثر معکوسی بر انتخاب مجدد حزب حاکم دارد، اما افزایش هزینه‌های سرمایه‌ای منجر به افزایش آرای حزب حاکم می‌شود.

موراو و ویگا[6] (۲۰۱۰)، با مطالعه بر روی یک نمونه از ۶۸ کشور جهان، نشان دادند که رفتار فرصت‌طلبانه در هزینه‌های عمومی در طول دوره انتخابات، اثر مثبتی بر تعداد آرای داده شده به حزب حاکم دارد. جونز و همکاران[7] (۲۰۱۲)، به تجزیه و تحلیل اثر انتخابات بر هزینه‌های عمومی در ایالت‌های آرژانتین پرداختند. آنها به این نتیجه دست یافتند که رأی‌دهندگان به افزایش هزینه‌های عمومی در سال انتخابات واکنش مثبت نشان می‌دهند. لیتسچینگ و موریسون[8] (۲۰۱۲)، اثر مخارج اضافی بر احتمال انتخاب مجدد احزاب کنونی در شهرداری برزیل را مورد واکاوی قرار دادند. نتایج آنها نشان می‌دهد که افزایش ۲۰ درصدی در مصارف سرانه در طول چرخه انتخاباتی منجر به افزایش ۱۰ درصدی در انتخاب مجدد حزب حاکم می‌شود.

1. Akhmedov and Zhuravskaya
2. Veiga and Veiga
3. Aidt et al
4. Sakurai and Menezes-Filho
5. Eslava
6. Mourao and Veiga
7. Jones et al
8. Litschig and Morrison

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22286454.1396.8.30.7.8]
[DOI: 10.29252/jemr.8.30.7]

ورگنه[1] (۲۰۰۹)، معتقد است که اگر چه رفتارهای فرصت‌طلبانه دولت به‌طور کلی مخارج انتخابات را افزایش می‌دهد و کاهش مالیات، اغلب در تراز بودجه منعکس می‌شود، اما دولت‌ها می‌توانند با تغییر ترکیب مخارج بدون نیاز به افزایش هزینه کل و یا افزایش کسری بودجه، احتمال انتخاب مجدد خود را افزایش دهند. به عبارت دیگر دولت‌های ایالتی می‌توانند به وسیله تغییر در ترکیب مخارج، با افزایش هزینه در اجزای بودجه که بیشتر قابل مشاهده و مورد علاقه رأی‌دهندگان است و یا کاهش هزینه در سایر اجزای بودجه با هدف افزایش محبوبیت خود، احتمال انتخاب مجدد را افزایش دهند. نتایج مشابهی توسط ساکورای و منزس- فیلو (۲۰۱۱)، با مطالعه کشور برزیل و یا کات‌سیمی و ساران‌تیدس[2] (۲۰۱۲)، برای یک گروه از کشورهای OECD، حاصل شده است. آنها به این نتیجه دست یافتند که پیش از انتخابات هزینه‌کرد سیاست‌گذاران بر روی سرمایه‌گذاری‌های عمومی افزایش می‌یابد. مطالعاتی مانند اسچاکنچت[3] (۲۰۰۰)، بینت و پنته‌کوته[4] (۲۰۰۴)، با یافته فوق مبنی بر این که در سال‌های منتهی به انتخابات هزینه‌های سرمایه‌ای افزایش می‌یابد، مخالف است. بر این اساس به نظر می‌رسد در سال انتخابات اجزایی از هزینه‌های عمومی افزایش پیدا می‌کند که به سهولت می‌توان آن را به گروهی از شهروندان یا مکان خاصی از کشور اختصاص داد. در این رابطه مطالعات انجام شده توسط ویگا و ویگا (b ۲۰۰۷)، افزایش در هزینه‌های سرمایه‌ای در سال انتخابات را تأیید می‌کند. درازن و اسلاوا[5] (۲۰۱۰)، نشان دادند که قبل از انتخابات شهرداری‌ها در کلمبیا، هزینه‌های زیرساخت افزایش می‌یابد، در حالی که برخی دیگر از اجزای هزینه کاهش می‌یابد. مطالعات صورت گرفته توسط سدمی هرادسکا و همکاران[6] (۲۰۱۱)، شواهدی از افزایش هزینه‌های سرمایه‌ای همراه با کاهش هزینه‌های جاری را در سال قبل از انتخابات تأیید می‌کند.

با توجه به مجموعه مطالعات یادشده، این نتیجه حاصل می‌شود که یکی از راه‌هایی که سیاست‌گذاران می‌توانند از طریق آن احتمال انتخاب مجدد خود را افزایش دهند تغییر در ترکیب

1. Vergne
2. Katsimi and Sarantides
3. Schuknecht
4. Binet and Pentecôte
5. Drazen and Eslava
6. Sedmihradska et al

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22286454.1396.8.30.7.8]
[DOI: 10.29252/jemr.8.30.7]

اجزای هزینه‌های عمومی از هزینه‌های جاری به سمت هزینه‌های سرمایه‌گذاری در یک سال قبل از انتخابات و در موارد خاص در سال‌های منتهی به انتخابات است. چراکه این امر می‌تواند به‌عنوان معیاری جهت اهتمام سیاست‌گذار به عمران و توسعه کشور محسوب شود و از این طریق شانس انتخاب مجدد سیاست‌گذار را افزایش دهد. ازاین‌رو با توجه به مراتب فوق، هدف از مقاله پیش‌رو، واکاوی اثر ادوار سیاسی بر طرح‌های عمرانی استانی به عنوان یک متغیر جایگزین از اثرگذاری ادوار سیاسی بر متغیرهای اقتصادی است.

٤. مدل تحقیق و روش برآورد

به پیروی از مباحث نظری و تجربی تصریح اقتصادسنجی برآورد مدل پژوهش به صورت معادله (۱) خواهد بود:

$$CC_{it} = \alpha_i + \beta_1 FP_{it} + \beta_2 PL_{it} + \beta_3 SP_{it} + \beta_4 NNF_{it} + \beta_5 GDPP_{it} + \beta_6 EM_{it} + \beta_7 ER_{it} + \beta_8 NN_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۱)$$

در معادله فوق متغیرهای CC_{it} اعتبارات عمرانی سرانه، FP_{it} درصد تحقق خاتمه پروژه‌ها، PL_{it} میانگین وزنی مدت زمان اجرای پروژه‌های عمرانی، SP_{it} درصد جایگزینی پروژه‌ها، NNF_{it} تعداد پروژه‌های خاتمه نیافته و جدید به کل پروژه‌ها و $GDPP_{it}$ تولید ناخالص داخلی سرانه برای استان iام در دوره زمانی t است. همچنین متغیرهای EM_{it}، ER_{it} و NN_{it} نشان‌دهنده متغیرهای مجازی است که در آن EM_{it} نشان‌دهنده سیکل مجلس در سال انتخابات، ER_{it} نشان‌دهنده سیکل ریاست جمهوری در سال قبل از انتخابات و NN_{it} تعداد نمایندگان استان‌ها در مجلس را نشان می‌دهد که برای استان‌هایی که تعداد نمایندگان آنها بزرگتر از ۱۰ باشد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر در نظر گرفته شده است. α_i نیز اثرات ثابت کشوری یا همان عرض از مبدأهای ویژه هر مقطع است. همچنین، براساس مبانی نظری مطرح شده در بخش قبل و براساس مبانی علم اقتصاد، می‌توان ارتباط و اثر هریک از متغیرهای مستقل وارد شده در مدل را با متغیر وابسته بیان کرد. برای این منظور از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM[1]) استفاده شده است. بسیاری از روابط اقتصادی به طور طبیعی پویا هستند و یکی از مزایای داده‌های تابلویی

1. Generalized Method of Moments.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22286454.1396.8.30.7.8]
[DOI: 10.29252/jemr.8.30.7]

این است که به محققان اجازه می‌دهد که پویایی‌های تعدیل را بهتر درک کنند. این روابط با حضور متغیر وابسته باوقفه در بین متغیرهای توضیحی مشخص می‌شود. روش GMM هنگامی به کار می‌رود که تعداد متغیرهای برش مقطعی (N) از تعداد زمان‌ها و سال‌ها (T) بیشتر باشد (بالتاگی[1]، ۲۰۰۸). روش فوق مزایای زیادی همانند لحاظ نمودن ناهمسانی واریانس فردی و اطلاعات بیشتر، حذف تورش‌های موجود در رگرسیون‌های مقطعی دارد که نتیجه آن تخمین-های دقیق‌تر، باکارایی بالاتر و هم‌خطی کمتر در GMM خواهد بود. به طور کلی روش GMM نسبت به روش‌های دیگر دارای مزایایی مانند حل مشکل درون‌زا بودن متغیرهای توضیحی، کاهش یا رفع هم‌خطی در مدل، حذف متغیرهای ثابت در طی زمان و افزایش بعد زمانی متغیرها است. دو روش برای برآورد مدل در روش GMM پانل دیتای پویا وجود دارد. مبنای اولیه مدل‌های GMM پویا توسط آرلاندو-باند[2] (۱۹۹۱) مطرح شد که به روش GMM تفاضلی مرتبه اول معروف است. آرلاندو-باور[3] (۱۹۹۵) و بلوندل-باند[4] (۱۹۹۸) روش GMM متعامد را ارائه کردند. در روش آرلاندو-باند از تمام مجموع وقفه‌های موجود به عنوان متغیر ابزاری استفاده می‌شود و در روش آرلاندو-باور و بلوندل-باند از سطوح وقفه‌دار به عنوان متغیر ابزاری استفاده می‌شود. سازگاری تخمین‌زننده‌های گشتاور تعمیم یافته به معتبر بودن فرض نبود همبستگی سریالی جملات خطا و ابزارها بستگی دارد. برای این منظور دو آزمون وجود دارد. آزمون اول سارگان است که معتبر بودن ابزارها را بررسی می‌کند و آزمون دوم $AR(۱)$ و $AR(۲)$ است که وجود همبستگی سریالی پسماندها را در مرتبه اول و دوم آزمون می‌کند. عدم رد فرضیه صفر در آزمون دوم دلالت بر فرض نبود همبستگی سریالی و معتبر بودن ابزارها است.

۵. داده‌ها و نتایج تجربی

در مقاله حاضر به بررسی این مسئله پرداخته شده است آیا ادوار سیاسی بر روند تصویب و اجرای طرح‌های عمرانی استانی تأثیرگذار است یا نه؟ برای این منظور جهت برآورد مدل و

1. Betalgi
2. Arellano and Bond
3. Arellano and Bover
4. Blundell and Bond

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22286454.1396.8.30.7.8]
[DOI: 10.29252/jemr.8.30.7]

آزمون فرضیه تحقیق از داده‌های استانی طی سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۷۶ استفاده شده است. لازم به ذکر است که داده‌های مربوط به تولید ناخالص داخلی سرانه استان‌ها از مرکز آمار ایران، تعداد پروژه‌های جدید و خاتمه نیافته، اعتبارات عمرانی، درصد تحقق خاتمه پروژه‌ها، میانگین وزنی مدت اجرای پروژه‌های عمرانی و درصد جایگزینی پروژه‌ها از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی گرفته شده است. قبل از برآورد مدل توصیف مختصری از متغیرها آورده شده است.

- **پروژه‌های خاتمه یافته (بهره‌برداری شده):** پروژه‌هایی که پیشرفت فیزیکی آنها در پایان سال مورد نظر صد در صد اعلام شده است.
- **پروژه‌های خاتمه‌یافتنی:** پروژه‌هایی که سال خاتمه آنها در موافقت‌نامه شرح عملیات طرح، سال مورد نظر درج شده باشد.
- **پیشرفت فیزیکی تا ۲۰ درصد:** آن دسته از پروژه‌هایی که پیشرفت فیزیکی آنها در زمان بازدید کمتر از ۲۰ درصد بوده است.
- **درصد تحقق خاتمه پروژه‌ها:** عبارت است از تعداد پروژه‌های خاتمه یافته تقسیم بر تعداد پروژه‌های خاتمه‌یافتنی بازدید شده.
- **میانگین وزنی مدت زمان اجرای پروژه‌های عمرانی:** مدت زمانی که طول می‌کشد یک طرح به طور کامل به اتمام برسد را مشخص می‌کند و با استفاده از معادله (۲) بدست می‌آید:

$$\frac{\sum_{i=1}^{n} a_i t_i}{\sum_{i=1}^{n} a_i} \qquad (۲)$$

که در آن a برابر است با مجموع اعتبار سال‌های قبل، اعتبار سال مورد نظر و برآورد اعتبار سال‌های بعد، n تعداد کل پروژه‌ها و t برابر است با سال خاتمه منهای سال شروع بعلاوه یک.

- **درصد جایگزینی پروژه‌ها:** عبارت است از تعداد پروژه‌های عمرانی جدید تقسیم بر تعداد پروژهای خاتمه‌یافته بازدید شده.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22286454.1396.8.30.7.8]
[DOI: 10.29252/jemr.8.30.7]

- **تعداد پروژه‌های جدید و خاتمه نیافته:** عبارت است از مجموع پروژه‌های جدیدی که در هر سال شروع می‌شود و پروژه‌های عمرانی که در سال خاتمه خود پایان نیافته و باید طی سال‌های آینده به منظور اتمام این پروژه‌ها تخصیص اعتبار صورت گیرد.

در ادامه به برآورد مدل، ارائه نتایج و تجزیه و تحلیل یافته‌های حاصل شده از برآورد مدل طی دوره زمانی ۱۳۹۳-۱۳۷۶ پرداخته می‌شود. در ابتدای این بخش، قبل از برآورد تجربی مدل تحقیق، وضعیت مانایی متغیرها و درجه انباشتگی آنها بر پایه آزمون‌های متعارف آیم، پسران و شین (IPS)[1]، لوین، لین و چو (LLC)[2] و هریس و تاوالیس (HT)[3] مورد آزمون قرار خواهد گرفت. واضح است در صورتی که بر پایه آزمون‌های فوق متغیرها ریشه واحد داشته باشند و نیاز به یک بار تفاضل‌گیری باشد، درجه انباشتگی یک ($I(۱)$) است. در صورتی که بر پایه آزمون‌های فوق متغیر مانا باشند آنگاه درجه انباشتگی آن متغیر صفر ($I(۰)$) خواهد بود. این نتایج در جدول (۱) گزارش شده است.

1. Im-Pesaran -Shin
2. Levin–Lin–Chu
3. Harris–Tzavalis

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22286454.1396.8.30.7.8]
[DOI: 10.29252/jemr.8.30.7]

جدول ۱. نتایج آزمون‌های ریشه واحد

متغیر	$GDPP$	NNF	SP	PL	FP	CC
آماره IPS	−۲/۱۰	−۲/۱۴	−۱/۹۲	−۰/۸۶	−۲/۲۹	−۱/۸۶
سطح معناداری	۰/۰۶	۰/۰۳	۰/۱۱	۰/۹۸	۰/۰۱	۰/۱۳
نتیجه آزمون	$I(۱)$	$I(۰)$	$I(۱)$	$I(۱)$	$I(۰)$	$I(۱)$
آماره LLC	−۶/۱۶	−۶/۵۶	−۴/۶۰	−۵/۳۵	−۶/۸۱	−۴/۳۳
سطح معناداری	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۱	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۶
نتیجه آزمون	$I(۰)$	$I(۰)$	$I(۰)$	$I(۰)$	$I(۰)$	$I(۱)$
آماره HT	۰/۶۳	۰/۷۲	۰/۶۸	۰/۸۳	۰/۷۶	۰/۸۵
سطح معناداری	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
نتیجه آزمون	$I(۰)$	$I(۰)$	$I(۰)$	$I(۰)$	$I(۰)$	$I(۰)$

منبع: محاسبات تحقیق

از آنجاکه برخی از متغیرها دارای درجه انباشتگی یک هستند، لذا جهت حصول اطمینان از وجود رابطه بین متغیر وابسته یعنی اعتبارات عمرانی سرانه با متغیرهای توضیحی شامل تولید سرانه، تعداد پروژه‌های جدید و خاتمه نیافته به کل پروژه‌ها، درصد تحقق خاتمه پروژه‌ها، میانگین وزنی مدت اجرای پروژه‌های عمرانی، درصد جایگزینی پروژه‌ها و متغیرهای مجازی شامل سیکل مجلس، سیکل ریاست جمهوری و تعداد نمایندگان استان‌ها در مجلس از آزمون پدرونی[1] (۲۰۰۴) جهت بررسی همجمعی در داده‌های تابلویی استفاده می‌شود، نتایج در جدول (۲) گزارش شده است.

1. Pedroni

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22286454.1396.8.30.7.8]
[DOI: 10.29252/jemr.8.30.7]

جدول ۲. نتایج آزمون همجمعی پدرونی

آماره	Z_t	Z_{pp}	Z_ρ	Z_v
تابلویی	-۱/۸۶	-۳/۱۷	۲/۲۳	-۱/۰۵
سطح معناداری	۰/۰۵	۰/۰۰	۰/۹۸	۰/۸۵
گروهی	-۱/۹۴	-۶/۹۰	۳/۲۵	-
سطح معناداری	۰/۰۳	۰/۰۰	۰/۹۹	-

منبع: محاسبات تحقیق

از آنجاکه در آزمون پدرونی، توان آزمون آماره Z_t از بقیه بیشتر است، با استناد به مقدار و سطح معناداری این آماره می‌توان نتیجه گرفت که رابطه بلندمدت بین اعتبارات عمرانی سرانه با متغیرهای لحاظ شده در مدل مورد تأیید قرار می‌گیرد. پس از حصول اطمینان از وجود رابطه بلندمدت بین متغیر وابسته و متغیرهای توضیحی مدل، در ادامه به تخمین مدل با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته پرداخته می‌شود. نتایج حاصل از برآورد مدل در جدول (۳) گزارش شده است.

در ارتباط با مدل گشتاورهای تعمیم‌یافته به منظور انتخاب مناسب متغیرهای ابزاری از آزمون سارگان استفاده می‌شود. آماره آزمون سارگان دارای توزیع کای-دو با درجات آزادی برابر با تعداد محدودیت‌های بیش از حد مشخص است. با توجه به مقدار احتمال این آماره می‌توان به این نتیجه دست یافت که متغیرهای ابزاری مورد استفاده در مدل به صورت مناسبی انتخاب شده‌اند و فرضیه صفر معتبر بودن متغیرهای ابزاری مورد تأیید قرار می‌گیرد. همچنین به منظور تعیین مرتبه‌ی خودهمبستگی جملات اخلال از آماره آزمون آرلاندو و باند استفاده شده است. نتایج آزمون فوق در جدول (۴) گزارش شده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22286454.1396.8.30.7.8]
[DOI: 10.29252/jemr.8.30.7]

جدول ۳. نتایج حاصل از برآورد مدل پانل به روش گشتاورهای تعمیم‌یافته

نام متغیر	ضرایب متغیرها
عرض از مبدا	۲/۱۱ (۰/۰۰۰)
$CC_{it-۱}$	۴/۴۱ (۰/۰۰۰)
FP_{it}	−۰/۵۲ (۰/۰۴۱)
PL_{it}	۲/۴۲ (۰/۰۰۴)
SP_{it}	۱/۲۲ (۰/۰۹)
NNF_{it}	۴/۲۵ (۰/۰۲۱)
$GDPP_{it}$	۵/۲۴ (۰/۰۰۰)
EM_{it}	۰/۳۴ (۰/۰۱۵)
ER_{it}	۲/۶۱ (۰/۰۰۰)
NN_{it}	۰/۱۲ (۰/۰۰۱)

منبع: محاسبات تحقیق

* اعداد داخل پرانتز درجه معناداری ضرایب را نشان می دهد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22286454.1396.8.30.7.8]

[DOI: 10.29252/jemr.8.30.7]

جدول ٤. نتایج آزمون سارگان و آزمون آرلاندو و باند برای تعیین مرتبه خودهمبستگی جملات اخلال

آزمون	آماره آزمون
آزمون سارگان	۱۰/۳۲ (۰/۴۳)
خودهبستگی مرتبه ۱	-۳/۵۲ (۰/۰۰)
خودهمبستگی مرتبه ۲	-۲/۳۱ (۰/۰۰۵)

منبع: محاسبات تحقیق

* اعداد داخل پرانتز درجه معناداری ضرایب را نشان می دهد.

بر اساس نتایج جدول (۴) مشاهده می‌شود که فرضیه صفر عدم وجود خودهمبستگی در جملات اخلال رد نمی‌شود و بنابراین روش آرلاندو و باند روشی مناسب برای برآورد پارامترهای مدل و حذف اثرات ثابت است.

همانگونه که نتایج تحقیق نشان می‌دهد، تمامی متغیرها به جز درصد جایگزینی پروژه‌ها در سطح ۵ درصد معنادار است. مطابق با نتایج جدول (۳)، اعتبارات عمرانی سرانه در دوره قبل تأثیر مثبت و معناداری بر روی اعتبارات عمرانی سرانه دوره فعلی دارد. همچنین متغیرهای تعداد پروژه‌های خاتمه نیافته و جدید به کل پروژه‌ها، میانگین وزنی مدت اجرای پروژه‌های عمرانی و تولید سرانه تأثیر مثبت و معناداری بر روی اعتبارات عمرانی سرانه در استان‌ها دارند. همچنین درصد جایگزینی پروژه‌ها نیز تأثیر مثبتی بر روی اعتبارات عمرانی سرانه دارد و متغیر فوق در سطح ۱۰ درصد معنادار است.

به عبارت دیگر، هر چه تعداد پروژه‌ها جدید بیشتر شود، مدت اجرای پروژه‌های عمرانی طولانی‌تر و در نتیجه تعداد پروژه‌های جایگزین افزایش می‌یابد. لذا افزایش تعداد پروژه‌های جدید موجب افزایش اعتبارات عمرانی می‌شود. از طرف دیگر متغیر درصد تحقق خاتمه پروژه-ها دارای ارتباط منفی و معنادار با اعتبارات عمرانی است؛ بدین معنا که هر چه تعداد پروژه‌های

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22286454.1396.8.30.7.8]
[DOI: 10.29252/jemr.8.30.7]

خاتمه یافته بیشتر شود، اعتبارات عمرانی نیز کاهش می‌یابد. با توجه به متغیرهای مجازی مدل می‌توان نتیجه گرفت که سیکل سیاسی مجلس و ریاست جمهوری ارتباط مثبت و معناداری با اعتبارات عمرانی دارد. درواقع، در سال انتخابات مجلس و یک سال قبل از انتخابات ریاست جمهوری، اعتبارات عمرانی استان‌ها افزایش می‌یابد. ازاین‌رو، نتایج این مقاله، مطابق با نتایج حاصل شده در مطالعات ویگا (۲۰۰۷)، فوکالت و همکاران (۲۰۰۸)، ویلا (۲۰۱۰) و ویسنته و همکاران (۲۰۱۳)، تأیید می‌کند که در سال قبل از انتخابات و در موارد خاص در سال انتخابات هزینه‌های سرمایه‌ای افزایش می‌یابند.

همچنین هر چه تعداد نمایندگان استان‌ها در مجلس بیشتر باشد، قدرت چانه‌زنی به منظور گرفتن اعتبارات عمرانی بیشتر افزایش می‌یابد که متغیر NN_{it} این موضوع را نشان می‌دهد. با توجه به نتایج بدست آمده فرضیه اول تحقیق مبنی بر اثرگذاری ادوار سیاسی بر سرنوشت طرح-های عمرانی مورد تأیید قرار می‌گیرد. همچنین با مقایسه ضرایب مربوط به دو متغیر EM_{it} و ER_{it} این نتیجه حاصل می‌شود که سیکل سیاسی ریاست جمهوری تأثیر بیشتری بر اعتبارات عمرانی دارد به این معنا که اثرگذاری ادوار سیاسی بر روند تصویب و اجرای طرح‌های عمرانی در سال قبل از وقوع سیکل سیاسی بزرگتر است؛ لذا فرضیه دوم تحقیق نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد.

٦. نتیجه‌گیری

پروژه‌های عمرانی ملموس‌ترین بخش برنامه‌های توسعه هستند که برای دستیابی به هدف‌های خاص از جمله ارتقای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و کارکرد مولد آن، مقاوم‌سازی اقتصاد در برابر شوک‌ها، دستیابی به رشد بالا و پایدار و... انجام می‌گیرد. براین اساس است که از سرمایه‌گذاری‌های عمرانی در ادبیات اقتصاد توسعه تحت عنوان لبه برنده و کارساز توسعه یاد می‌شود.

با وجود این، بررسی واقعیت موجود در مورد طرح‌های عمرانی استانی نشان از ناکارآمدی جدی فرآیند فعلی تصویب و اجرای طرح‌های عمرانی دارد به گونه‌ای که طرح‌های یادشده به

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22286454.1396.8.30.7.8]
[DOI: 10.29252/jemr.8.30.7]

لحاظ پیشرفت فیزیکی و تبعیت از برنامه زمان‌بندی در وضعیت مطلوبی نیستند و هر ساله شاهد حجم انبوهی از طرح‌های عمرانی ناتمام و گاه متوقف هستیم و از این گذر طی سالیان متمادی تبعات اقتصادی و اجتماعی سنگینی بر بودجه و اقتصاد کشور تحمیل شده است. از آنجاکه، مؤلفه‌های گوناگونی بر سرنوشت طرح‌های عمرانی اثرگذارند. لذا، دغدغه اصلی مقاله حاضر پاسخ به این سوال است که آیا ادوار سیاسی بر روند تصویب و اجرای طرح‌های عمرانی استانی تأثیرگذار است یا نه؟. برای پاسخ به سوال مورد نظر، مقاله پیش‌رو دو فرضیه را مورد آزمون قرار داد.

- فرضیه اول: ادوار سیاسی بر سرنوشت طرح‌های عمرانی تأثیر گذار است؛
- فرضیه دوم: میزان اثرگذاری ادوار سیاسی بر روند تصویب و اجرای طرح‌های عمرانی در سال قبل از وقوع سیکل سیاسی (انتخابات) بزرگتر است.

نتایج حاصل از آزمون دو فرضیه حاکی از آن است که:

- سیکل سیاسی مجلس و ریاست جمهوری ارتباط مثبت و معناداری با اعتبارات عمرانی دارد. به عبارت دیگر، در سال انتخابات مجلس و یک سال قبل از انتخابات ریاست جمهوری، اعتبارات عمرانی استان‌ها افزایش می‌یابد. همچنین هر چه تعداد نمایندگان استان‌ها در مجلس بیشتر باشد، قدرت چانه‌زنی به منظور گرفتن اعتبارات عمرانی بیشتر افزایش می‌یابد.
- همچنین با مقایسه ضرایب مربوط به دو متغیر EM_{it} و ER_{it} این نتیجه حاصل می‌شود که سیکل سیاسی ریاست جمهوری تأثیر بیشتری بر اعتبارات عمرانی دارد به این معنا که اثرگذاری ادوار سیاسی بر روند تصویب و اجرای طرح‌های عمرانی در سال قبل از وقوع سیکل سیاسی بزرگ‌تر است.

ازاین‌رو، با توجه به نتایج بدست آمده فرضیه اول و دوم تحقیق مبنی بر اثرگذاری ادوار سیاسی بر سرنوشت طرح‌های عمرانی و بزرگ‌تر بودن اثر سیکل سیاسی ریاست جمهوری بر طرح‌های عمرانی مورد تأیید قرار می‌گیرد. از این‌رو، نتایج این مقاله، با مطالعات ویگا و ویگا (۲۰۰۷)، فوکالت و همکاران (۲۰۰۸)، ویلا (۲۰۱۰) و ویسنته و همکاران (۲۰۱۳) مبنی بر افزایش

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22286454.1396.8.30.7.8]
[DOI: 10.29252/jemr.8.30.7]

هزینه‌های سرمایه‌ای در سال قبل از انتخابات و در موارد خاص در سال انتخابات مطابقت دارد. در این راستا، برای از بین بردن اثر سیکل سیاسی دولت و نمایندگان مجلس بر طرح‌های عمرانی، تعیین مرجعی که از صلاحیت کارشناسی لازم و همچنین استقلال و قدرت نظارتی کافی بر مطالعات توجیهی طرح‌ها برخوردار است، پیشنهاد می‌شود، زیرا مرجع یادشده به‌منظور ساماندهی طرح‌های عمرانی و تقویت مدیریت کلان عملیات عمرانی می‌تواند با تهیه لیستی از اولویت‌های ملی و منطقه‌ای در طرح‌های عمرانی براساس ارزیابی‌های فنی- اقتصادی، به صورت بی‌طرف طرح‌ها را تنها براساس مطالعات توجیهی - فنی و نیاز منطقه تصویب کند. ازاین‌رو، مرجع مورد اشاره از تصویب طرح‌های عمرانی براساس ملاحظات سیاسی دولت و نمایندگان مجلس جلوگیری می‌کند. با این اقدام علاوه بر جلوگیری از شروع عملیات اجرایی پروژه‌های بدون توجیه فنی، اقتصادی و اجتماعی، حجم عملیات طرح و اعتبار مورد نیاز آن نیز به درستی برآورد می‌شود.

همچنین مرجع یاد شده، ضمن حصول اطمینان از ضرورت اجرای پروژه‌های عمرانی و مطابقت آن با اهداف تعیین شده در برنامه‌های توسعه، با برقرار ارتباط منطقی بین تعداد و میزان اعتبار پروژهای عمرانی، از تصویب طرح‌های عمرانی جدید و خارج از توان اجرایی دولت جلوگیری می‌کند. از وجه دیگر، مرجع یاد شده با ایجاد سازوکار بهینه در مناقصات و ارائه انواع مشوق‌ها در اجرای طرح‌های عمرانی، می‌تواند به حضور کارآمد بخش خصوصی در عرصه فعالیت‌های زیرساختی شتاب بخشد و از ایجاد انحصار در اجرای طرح‌های عمرانی و رانت‌جویی در این زمینه بکاهد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22286454.1396.8.30.7.8]
[DOI: 10.29252/jemr.8.30.7]

منابع و مآخذ

- Aidt, T., Veiga, F., and Veiga, L. (2011). Election results and opportunistic policies: A new test of the rational political business cycle model. *Public Choice*, 148:21–44.
- Akhmedov, A. and Zhuravskaya, E. (2004). Opportunistic political cycles: test in a young democracy setting. *The Quarterly Journal of Economics*, 119:1301–1338.
- Arellano, M., and S. R. Bond (1991). Some tests of specification for panel data: Monte Carlo evidence and an application to employment equations, *Review of Economic Studies*, 58, 277–297.
- Arellano, M., and O. Bover (1995). Another look at the instrumental variables estimation of error-components models, *Journal of Econometrics*, 68, 29–51.
- Baltagi, B. H. (2008). Econometric Analysis of Panel Data, 4th Ed. New York: John Wiley & Sons.
- Binet, M. and Pentecote, J. (2004). Tax digression and the political budget cycle in French municipalities. *Applied Economics Letters*, 11(14):905–908.
- Block, S. (2002). Political business cycles, democratization, and economic reform: the case of Africa. *Journal of Development Economics*, 67(1):205–228.
- Blundell, R. and Bond, S. (1998), Initial conditions and moment restrictions in dynamic panel data models, *Journal of Econometrics*, 87, 115-143.
- Brender, A. (2003). The effect of fiscal performance on local government election results in Israel: 1989–1998. *Journal of Public Economics*, 87:2187–2205.
- Brender, A. and Drazen, A. (2008). How do budget deficits and economic growth affect reelection prospects? Evidence from a large panel of countries. *The American Economic Review*, 87:2203–2220.
- Drazen, A. and Eslava, M. (2010). Electoral manipulation via voter-friendly spending: Theory and evidence. *Journal of Development Economics*, 92:39–52.
- Efthyvoulou, G. (2012). Political budget cycles in the European Union and the impact of political pressures. *Public Choice*, 153(3-4):295–327.
- Eslava, M. (2005). Political budget cycles or voters as fiscal conservatives? Evidence from Colombia. Documents cede 2005-12.
- Fair, R. (1978), the Effect of Economic Events on Votes for PRESIDENT, *Review of Economics and Statistics*, 60, 159-72.
- Foremny, D. and Riedel, N. (2012). Business taxes and the electoral cycle. Document de Treball, IEB 2012/3.
- Foucault, M., Madies, T., and Paty, S. (2008). Public spending interactions and local politics. Empirical evidence from French municipalities. *Public Choice*, 137:57–80.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22286454.1396.8.30.7.8]

[DOI: 10.29252/jemr.8.30.7]

- Galli, E. and Rossi, S. (2002). Political budget cycles: the case of the western German lander. *Public Choice*, 110(3):283–303.
- Ghasemi, M., Panahi, A., Khezri, M. and Mokhber, A (2009). Budgeting in Iran (budget and executives), Tehran, Islamic Consultative Research Center, Office of Studies and Programs and Budget [in Persian].
- Gonzalez, M. (2002). Do changes in democracy affect the political budget cycle? Evidence from Mexico. *Review of Development Economics*, 6(2):204–224.
- Hallaj, Sh., and Jalali Mosavi, A. (2011). Study of the status of development plans and the provision of priority criteria as the main approach, Islamic Consultative Research Center, Office of Studies and Programs and Budget, Number 10306 [in Persian].
- Harris, R. D. F. and Tzavalis, E. (1999). Inference for unit roots in dynamic panels where the time dimension is fixed. *Journal of Econometrics*, 91: 201–226.
- Im, K.S., Pesaran, M.H. and Shin, Y. (2003). Testing for unit roots in heterogeneous panels. *Journal of Econometrics,* 115: 53–74.
- Jones, M. P., Meloni, O., and Tommasi, M. (2012). Voters as fiscal liberals: Incentives and accountability in federal systems. *Economics & Politics*, 24(2):135–156.
- Katsimi, M. and Sarantides, V. (2012). Do elections affect the composition of fiscal policy in developed, established democracies? *Public Choice*, 151(1):325–362.
- Khemani, S. (2004). Political cycles in a developing economy: effect of elections in the Indian states. *Journal of Development Economics*, 73(1):125–154.
- Khezri, M. (2006). Rents Economy (Reviewing the Rent in the Budgeting System of Iran), Publications Management and Planning Organization [in Persian].
- Klomp, J. and De Haan, J. (2013). Do political budget cycles really exist? *Applied Economics*, 45(3):329–341.
- Kordbache, M. (2007). Budgeting in Iran, Tehran, Publications Management and Planning Organization [in Persian].
- Kraemer, M. (1997). Electoral budget cycles in Latin America and the Caribbean: incidence, causes, and political futility. IDB Working Paper, n.291.
- Lago-Penas, I. and Lago-Penas, S. (2008). Explaining budgetary indiscipline: Evidence from Spanish municipalities. *Public Finance and Management*, 8(1):36–69.
- Levin, A., Lin, C.F. and Chu, C.S.J. (2002). Unit root tests in panel data: Asymptotic and finite-sample properties. *Journal of Econometrics*, 108:1–24.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22286454.1396.8.30.7.8]

[DOI: 10.29252/jemr.8.30.7]

- Lewis-Beck, M. (1988), *Economics and Elections*. University of Michigan PRESS
- Litschig, S. and Morrison, K. (2012). Government spending and re-election: quasi-experimental evidence from Brazilian municipalities. Barcelona GSE Working Paper Series, WP n.515.
- Madsen, H. (1980), Electoral Outcomes and Macroeconomic Policies: The Scandinavian Cases, in P. Whitely, ed., Models of Political Economy, London, 15-46.
- Management and Planning Organization (2015), Supervisory reports of provincial development projects during 2010-2015 [in Persian].
- Meloni, O. (2001). Gobernadores y elecciones: ¿Es "negocio" ser austero? Evidencia a partir de datos de panel. XXXVI Reunión Anual de la AAEP.
- Mourao, P. and Veiga, L. (2010). Elections, fiscal policy and fiscal illusion. NIPE Working Paper 18/2010. Universidade do Minho.
- Pedroni, P. 2004. Panel cointegration: Asymptotic and finite sample properties of pooled time series tests with an application to the PPP hypothesis. *Econometric Theory*, 20: 597–625.
- Peltzman, S. (1992). Voters as fiscal conservatives. *The Quarterly Journal of Economics*, 107(2):327– 361.
- Persson, T. and G. Tabellini (2002), Do Electoral Cycles Differ Across Political Systems? Working paper.
- Sadeqi Shahedani, M. and Aghajani Mehmar, E. (2016). The effect of relative financial decentralization on Iran's regional economic growth, *Quarterly Journal of Economic Modeling Research*, 5(20): 159-191 [in Persian].
- Sakurai, S. and Menezes-Filho, N. (2008). Fiscal policy and reelection in Brazilian municipalities. *Public Choice*, 137:301–314.
- Sakurai, S. and Menezes-Filho, N. (2011). Opportunistic and partisan election cycles in Brazil: new evidence at the municipal level. *Public Choice*, 148:233–247.
- Schuknecht, L. (2000). Fiscal policy cycles and public expenditure in developing countries. *Public Choice*, 102(1):115–130.
- Sedmihradska, L., Kubik, R., and Haas, J. (2011). Political business cycle in Czech municipalities. *Prague Economic Papers*, 2011:59–70.
- Shahabadi, A., Naziri, M.K. and Nilforoshan, N. (2013). Effects of electoral cycles on growth of public health expenditures in selected and developing countries (1994-2010), *Quarterly Journal of Economic Modeling Research*, 3(9): 95-116 [in Persian].
- Shi, M. and J. Svensson (2002), Political Budget Cycles, *American Economic Review*, 80, 21-36.
- Tavakoli, A. (2008). What to do with unfinished construction plans, *Economic Research*, 7(3): 42-58 [in Persian].

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22286454.1396.8.30.7.8]

[DOI: 10.29252/jemr.8.30.7]

- Tufte, E. (1978), *Political Control of the Economy*, Princeton NJ: Princeton University Press.
- Veiga, L. G. and Veiga, F. J. (2007a). Does opportunism pay off? *Economics Letters*, 96:177–182.
- Veiga, L. G. and Veiga, F. J. (2007b). Political business cycles at the municipal level. *Public Choice*, 131:45–64.
- Vergne, C. (2009). Democracy, elections and allocation of public expenditures in developing countries. *European Journal of Political Economy*, 25(1):63–77.
- Vicente, C., Benito, B., and Bastida, F. (2013). Transparency and political budget cycles at municipal level. *Swiss Political Science Review*, 19(2):139–156.
- Vila, J. (2010). Endeudamiento, gastos de inversión, y ciclo político presupuestario en las haciendas locales. El caso de los ayuntamientos valencianos. In XVII Encuentro de Economía Pública, Murcia.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22286454.1396.8.30.7.8]

[DOI: 10.29252/jemr.8.30.7]

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22286454.1396.8.30.7.8]

[DOI: 10.29252/jemr.8.30.7]

The Impact of Political Cycles on Construction Projects: A Case Study of Provinces in Iran

Hossein Amiri[1], Farzaneh Samadian[2]

Received: 2017/06/11
Accepted: 2017/12/20

Abstract

Construction projects are the basic requirements of sustainable development and growth. Inefficient procedures of implementing the construction projects, regardless of our financial and administrative capacities, has imposed a large amount of unfinished and occasionally stopped projects to national economy. Since there are various components that affect the fate of projects, therefore, the main purpose of this paper is to answer this question that whether the political cycles affect the adoption and implementation of provincial construction projects or not? In order to answer this question, two hypotheses are considered in this paper. Therefore, GMM dynamic method was used to estimate the model and test hypothesis in the years 1997-2014. Hypothesis one: political cycles affect the fate of construction projects, and the second hypothesis: the impact of political cycles on the adoption and implementation of construction projects are larger in the year prior to political cycle (election). Therefore, in order to estimate the model and test the research hypothesis, provincial data during the years was used. Results of testing two hypotheses suggest that parliamentary and presidential political cycles have a significant positive correlation with the construction projects. Results also show that the presidential political cycle has a larger impact on construction projects, meaning that the impact of political cycles on the process of adopting and implementing the construction projects in the year prior to the political cycle is larger. In this regard, in order to eliminate the impacts of the governmental and parliamentary political cycle on construction projects, it is recommended to determine a competent authority that has the necessary qualifications as well as the sufficient degree of independence and supervision power over the project's Feasibility studies. The referenced mentioned will be

1. Assistant Professor of Economics, Kharazmi University (Corresponding Author), Email: hossienamiri@gmail.com.
2. MSc of Economics, University of Allameh Tabatabaii, Email: F.Samadian90@gmail.com.

approve projects based on objective justification-technical and district-based studies and it prevents the adoption of development plans based on the political considerations of the government and parliamentarians.

Keywords: Political Cycles, Construction Projects, Provinces of Iran, GMM Panel**.**
JEL Classification: H11, H55.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22286454.1396.8.30.7.8]

[DOI: 10.29252/jemr.8.30.7]